

ماجراهای فلسفه

ویل دورانت

ترجمه: ابوالفضل حقیری



دانش

سرشناسه	دورانت ، ویلیام جیمز ، ۱۸۸۵-۱۹۸۱ م.
عنوان و نام پدیدآور	Durant, William James
مشخصات نشر	مآجرهای فلسفه تهران: نشر علم، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۳۱۸ ص ۱۴/۵ × ۲۱/۵ م.
شابک	978 - 964 - 224 - 728 - 8
وضعیت فهرست‌نویسی	: فنیای مختصر
یادداشت	فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی http://opac.niaii.ir قابل دسترسی است
یادداشت	عنوان اصلی: Adventures in philosophy: the dialogues, symposiums and debates of will durant, 2008
یادداشت	: چاپ دوم
شناسه افزوده	: لیتل ، جان آر. ، ۱۹۶۰ - م. ، گرد آورنده ، ویراستار
شناسه افزوده	Little John R.
شناسه افزوده	: حقیری ، ابوالفضل ۱۳۳۸ - ، مترجم
شناسه افزوده	Haqiri, Abolfazl
شناسه کتابشناسی ملی	۳۸۵۷۲۵۸ :



نسخه

مآجرهای فلسفه

ویل دورانت

ترجمه: ابوالفضل حقیری

صفحه آرا: لیلا حائری

چاپ دوم (ویرایش اول): ۱۳۹۴

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی: صدف ۵۳۳ ۸۸۸۳۰

چاپ و صحافی: رامین

ناشر: نشر علم

خیابان انقلاب - خیابان دوازدهم فروردین - خیابان شهدای ژاندارمری

پن بست گرانفر پلاک ۴ تلفن: ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

شابک ۸ - ۷۲۸ - ۲۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فهرست مطالب

۱	ماجرای فلسفه
۶	مقدمه
۱۱	قسمت اول
۱۱	محاورات
۱۳	فصل اول
۱۳	فیلسوف و روان‌شناس
۲۹	فصل دوم
۲۹	آیا ما می‌توانیم کودکانمان را وادار به رفتار کنیم؟
۲۹	اشخاص گفت‌وگو
۴۱	فصل سوم
۴۱	فلسفه چیست؟ گفت‌وگویی درباره‌ی زندگی، معنا و فلسفه
۷۳	فصل چهارم
۷۳	درباره‌ی هشتاد و پنج ساله شدن
۷۸	جناب آقای دورانت
۷۹	جناب آقای رئیس‌جمهور
۸۲	سانتور عزیز کندی
۸۲	ویل و اریل عزیز
۸۹	درباره‌ی تاریخ فلسفه
۹۴	درباره‌ی سیمون و شوستر به‌عنوان ناشر
۹۸	درباره‌ی فلسفه‌ی دین
۱۰۹	فصل پنجم
۱۰۹	دین و اخلاقیات
۱۲۹	قسمت دوم
۱۲۹	میهمانی‌ها
۱۳۱	فصل ششم
۱۳۱	معنای تاریخ: میهمانی
۱۳۸	۲- تفسیر الهیاتی تاریخ
۱۴۳	۳- تفسیر جغرافیایی تاریخ
۱۵۳	۴- تفسیر نژادی تاریخ
۱۶۴	۵- تفسیر اقتصادی تاریخ
۱۷۲	۶- تفسیر روان‌شناختی تاریخ

۱۸۱	۷- تاریخ مرکب
۱۸۹	فصل هفتم
۱۸۹	سرچشمه و معنای دین
۱۹۰	جان‌گرایی
۱۹۶	جادو
۲۰۳	توتم و تابو
۲۰۵	پرستش نیاکان
۲۰۸	بت‌پرستی
۲۱۸	از کنفوسیوس تا مسیح
۲۱۸	جلسه‌ی دوم: دور میز
۲۵۱	خدا و خلود
۲۵۱	جلسه‌ی سوم: در کتابخانه
۲۶۲	خدای مرده
۲۷۴	کارکرد دین
۲۸۴	خدای جدید
۲۹۵	قسمت چهارم
۲۹۵	مناظره‌ها
۲۹۷	فصل هشتم
۲۹۷	آیا ما ماشین هستیم؟ (آیا زندگی مکانیکی است یا چیزی دیگر؟)
۲۹۷	مناظره میان کلارنس دارو و ویل دورانت
۲۹۷	سخنان مقدماتی
۳۰۱	سخنران در مخالفت
۳۱۵	سخنرانی در موافقت
۳۲۵	پاسخ در رد
۳۳۱	پاسخ در تأیید
۳۳۹	فصل نهم
۳۳۹	آیا القیای فرهنگی مغزهای ما را ملایم می‌کنند؟
۳۳۹	مناظره بین ویل دورانت و هاوارد مامفورد جونیور
۳۴۰	منظره‌ی کلی
۳۴۰	موضع منفی
۳۴۰	مکتب فرهنگ میانبر
۳۴۷	موضع مثبت: در دفاع از کلیات
۳۵۲	مردم و کلیات
۳۵۹	دعوت به فلسفه

۳۶۲	ردیه
۳۶۵	فصل دهم
۳۶۵	آیا جنگ‌ها به معیارهای اخلاقی ما آسیب می‌رسانند؟
۳۶۷	مقدمه
۳۹۳	فصل یازدهم
۳۹۳	آیا دموکراسی شکست خورده است؟
۳۹۳	گزارشی روزنامه‌ای از مناظره میان ویل دورانت و برتراند راسل
۳۹۴	دیدن نشانه‌هایی در حضار
۳۹۵	اکنون مبانی اقتصادی از میان رفته است
۳۹۶	صلاحیت افراد فرهیخته رد می‌شود
۳۹۷	تنها نگارنی آنها این است که غنایم گیر کدام گروه می‌آید
۳۹۹	آزمایش ساده‌ی دموکراسی از سوی دکتر راسل
۴۰۱	مزایای بزرگی که دموکراسی دارد
۴۰۲	دلیل سوم
۴۰۳	فصل دوازدهم
۴۰۳	مناظره‌ی «آیا دموکراسی شکست خورده است؟» تئاتر اسپرکلز را پر کرد
۴۰۴	دو متفکر بزرگ
۴۰۵	دورانت سنت را سرزنش می‌کند
۴۰۵	انتخاب ماشین‌ها
۴۰۶	او ارتدوکس است
۴۰۷	تشویق و دورانت
۴۰۹	فصل سیزدهم
۴۰۹	آیا زندگی ارزش زیستن دارد؟
۴۰۹	گزارش روزنامه‌ای از مناظره میان ویل دورانت و کلارنس دارو
۴۱۰	حضار مردد مانده‌اند
۴۱۸	خلاصه‌ی نکاتی که مناظره گران مطرح کردند

مقدمه

زمانی ویل دورانت شکوه کرده بود که دیگر کسی فلسفه را دوست ندارد؛ زیرا فلسفه روح ماجراجویی خود را از دست داده است. این کتاب تلاش او برای بازیابی این روح است. مباحثی در زمینه‌ی معنای زندگی، سیاست، تاریخ، و ماهیت بشری که همه از سوی دورانت و برخی از متفکران برجسته‌ی قرن بیستم بررسی می‌شود. به علاوه، او یک «محاوره» و دو میهمانی به رشته‌ی تحریر در آورده است که برخی از متفکران برجسته‌ی تاریخ را در عمل نشان می‌دهد که با چالش برانگیزترین پرسش‌های فلسفه دست به گریباندند. در این میهمانی‌ها، عمق و وسعت فضل دورانت به یکباره آشکار می‌شود و با این همه این آثار به چنان نشر شگفت و اغلب لطیفی نوشته شده که (همان‌طور که زمانی مکس شوستر (Max Schuster) گفته بود) «تمنا می‌کنند به صدای بلند خوانده شوند».

ماجراهای فلسفه در عین حال سهم ویل دورانت در سنت فلسفی دیرینه‌ی محاورات «سقراطی» یا «افلاطونی» است. فلسفی‌نویسان اندکی چنین احاطه‌ای بر موضوع کار خود و چنان همدلی والایی با اهل آن داشته‌اند که به چنین تلاشی دست بزنند. شمار کسانی که استعداد ادبی انجام چنین کاری را داشته‌اند، از این هم کمتر بوده است. دورانت در هر دو زمینه به طرزی درخشان توفیق یافته، و محاوره و میهمانی‌های او سفر ذهن است بر دریاها و اغلب بی‌نقشه‌ی روح انسان. عرصه‌های این سفر که ناخدا و آن دکتر دورانت است؛ معمولاً شگفت‌انگیز و غریب است و توان به لریزه درآوردن یا تحکیم جهان‌بینی ما را دارد و در همان حال توان و هیجان «ملکه‌ی علوم» در تسخیر و افسون اذهان کنجکا و، و سیراب کردن کسانی که تشنه‌ی حکمت‌آویند را

عیان می‌کند.

محاوره یکی از قدیمی‌ترین صور موجود فلسفه و بی‌تردید رایج‌ترین شیوه‌ی بیان آن است. از محاورات ژرف «سقراطی» افلاطون (که معیار طلایی این سبک است و هنوز با هیجان «عشق به حکمت» به طنین درمی‌آید) تا شکل جدیدتر «محاوره» که نوول نام دارد (مثل *کاندید*، *برادران کارامازوف*، *اطلس شانه بالا انداخت*، *دنیای سوفی*)، انتقال فلسفه - یا شیوه‌ی نگرش به جهان از زبان شخصیت‌های مباحثه - خوانندگانی را که مشتاق اندیشه‌های اویند و حتی کسانی را که ترجیح می‌دهند در فلسفه‌ی ایشان سهم باشند، شیفته کرده است.

از آنجا که ویل دورانت هم هنرمند و هم فیلسوف است، عجیب نیست که چند محاوره‌ی فلسفی خیالی را به رشته‌ی تحریر درآورده و در چند محاوره‌ی واقعی شرکت کرده است. دورانت مانند افلاطون، در کارهای خیالی خود افراد تاریخی واقعی را به عنوان شخصیت‌های نمایش^۱ خویش انتخاب کرده است؛ اما برخلاف افلاطون، دورانت خود را فقط به متفکران یونان باستان محدود نکرده است؛ زیرا چارچوب کار او نسل‌های متأخر (و متقدم) فیلسوفان مانند فردریش نیچه، ولتر، کارل مارکس، ویلیام جیمز و کنفوسیوس را نیز دربر گرفته است. خلق موفق این محاورات فلسفی کاری است دشوار (و دقیقاً به همین دلیل است که شمار اندکی از آن‌ها را می‌توان یافت) و نیازمند آن است که نویسنده‌ی احتمالی آن‌ها باید از استعدادهای متعدد و فهمی عالی از دیدگاه‌های گوناگون و شخصیت‌گویندگان، و عنصری از نیکخواهی (نه تمایل پیشداورانه به خلق آدمکی که باید به وسیله‌ی دشمنی آشتی‌ناپذیر - که نماینده‌ی دیدگاه خاص خود نویسنده است - از هم دریده شود) برای ایجاد کار پایه‌ای برخوردار باشد تا این متفکران بزرگ و افراد نادر بتوانند بر بنیان آن پیش بروند و برای تبلیغ آرای خود حداکثر تلاش خویش را بکنند. و اگر مخالفی چنین کند، نویسنده باید آن قدر با او همدلی داشته باشد

که بداند دقیقاً در چه زمانی و چگونه چنین فردی با دیدگاهی معین به چالش می‌پردازد و در ردیه‌ی خود به احتمال زیاد بر کدام ابعاد تأکید خواهد کرد. هنگامی که نویسنده‌ای قادر به انجام این کارها باشد، حاصل کار محاوره‌ای خواهد بود که در عمل از احترامی مانا برخوردار است، نه محاوره‌ای که صرفاً بازوی بخش تبلیغات برای موضعی گذرا یا شعار است.

«محاورات سقراطی» زندگی واقعی دورانست هم به همین اندازه جالب است؛ محاورات او با دکتر جان واتسون (John Watson) مردی که «پدر» مکتب رفتارگرایی در روان‌شناسی تلقی می‌شد، به ویژه شایان ذکر است. هر چند دورانست روان‌شناسی خواننده (و حتی تدریس کرده) بود؛ اما احساس می‌کرد این هم - مثل هر علم دیگری - فقط یکی از فرزندان فلسفه است که دورانست آن را «ملکه‌ی علوم» می‌دانست و با توجه به سرشت نسبتاً جدید روان‌شناسی در دهه‌ی ۱۹۳۰، اگر بند نافی که مادر و کودک را به هم مرتبط می‌کرد، قطع می‌شد، نمی‌شد این رشته‌ی علمی را مستحکم کرد. رد دیدگاه مکانیستی مطرح شده از سوی واتسون از سوی دورانست نمایش بی‌بدیل شیوایی و حکمت عالمانه است و نه به‌طور اتفاقی، دیدگاهی است که با روان‌شناسان مدرن (به ویژه روان‌شناسان مکتب انسان‌گرا، به ریاست آبراهام مازلو (Abraham Maslow) و کارل راجرز (Carl Rogers)) هم‌راستا است.

بعداً در همین کتاب، هنگامی که با وکیل مدافع افسانه‌ای دادگاه میمون اسکویز^۱، کلارنس دارو (Clarence Darrow) به مناظره می‌پردازد، بسیاری از براهین دورانست به چالش کشیده می‌شود.

دورانست در آخرین کتاب خود، *قهرمانان تاریخ*، این نکته را روشن می‌کند که

۱. دادگاه میمون اسکویز، پرونده حقوقی مشهوری است مربوط به سال ۱۹۲۵ که در آن جان اسکویز، دبیر دبیرستان، متهم به نقض قانون باتلر تنسی شد که بر اساس آن تدریس تکامل در هر مدرسه‌ی دولتی ممنوع بود. (م).

ارسطو نیز محاوراتی به رشته‌ی تحریر در آورده که بی‌شبهت به محاورات استادش، افلاطون، نیست؛ اما طرز تاریخ را بنگر که این محاورات گم شدند و فقط رسالات فنی ارسطو باقی ماندند. در صورتی که نوشته‌های افلاطون درباره‌ی فلسفه‌ی تخصصی گم شدند و فقط محاورات داستانی او باقی ماندند. دوران متعقد بود که دلیل جذایت بیشتر افلاطون در طول قرون همین امر بوده است. تفکر در این مورد اغواکننده است که محاورات فیلسوف استاگیرایی^۱ به چه شکل می‌توانست باشد و وجود آن‌ها چه تأثیری می‌توانست بر نظرات و فلسفه‌های عالمگیر قرون و هزاره‌هایی که از آفرینش آن‌ها گذشته، داشته باشد. افسوس! زمان جانب کسی را نگه نمی‌دارد (یا شاید می‌دارد) و ما فقط می‌توانیم درباره‌ی این محاورات گم‌شده فکر کنیم. خوشبختانه، در مورد ویل دورانت، (تا آنجا که من می‌دانم)، اساساً تمام محاورات او حفظ شده و برای نخستین بار در کتابی با عنوانی که خود او انتخاب کرده، گردآوری شده است. *ماجرای فلسفه* همین است؛ فلسفه به مثابه ماجرایی خیرد انسانی؛ سفر هیجان‌انگیز اکتشاف در اقیانوس امور انسانی. این مثالی شگفت‌انگیز است که نشان می‌دهد دورانت چگونه فلسفه را از تالارهای دلتنگ‌کننده‌ی دانشگاه‌ها به جهان عام‌تر مردمان معمولی می‌برد.

در این محاورات، میهمانی‌ها و مناظرات، فلسفه به جدیت مورد بحث، و ارتباط آن با مسائل زندگی واقعی مورد تأکید قرار می‌گیرد. به علاوه، خواننده به تجربه این نکته را درخواهد یافت که فقط با دقت و بحث درباره‌ی عقاید یک شخص می‌توان با درجه‌ای از یقین دانست که آیا این عقاید (و دلایل بارز به آن‌ها) معتبرند یا خیر.

در *ماجرای فلسفه*، فلسفه در جست‌وجوی حقیقت (نه ابهام‌آمیز کردن آن) و اشکال متعدد آن است. فقط در چنین جست‌وجویی ممکن است بتوان قرائن یا مقدماتی را یافت که سرانجام به کشف حقیقت منتهی شود. فلسفه‌ای که به چنین

نحوی ورزیده شود، زنده، ضروری و پرمایه است.

در این کتاب چند مناظره نیز آمده که محاوراتی در برابر حضار درباره‌ی موضوعی مفرد در محیطی خاص و طراحی شده است که در آن، دوران یک بار دیگر به روی وکیل مدافع معروف، کلارنس دارو، و علاوه بر او مردی که زمانی دوران او را «بزرگ‌ترین فیلسوف زنده» می‌دانست؛ یعنی استاد منطق برتراند راسل، شمشیر می‌کشد. چنین مناظراتی که در آن‌ها متفکران و فیلسوفان نامدار جهان در فضایی عمومی رودرروی یکدیگر قرار می‌گیرند، بسیار نادر و خواندن آن‌ها لذتی ناب است.

پس، **ماجراهای فلسفه**، کتابی است که هم مقدمه‌ای شگفت بر بنیادی‌ترین و لذت‌بخش‌ترین اشکال فلسفه است و هم وسیله‌ای برای دیدن برخی از بزرگ‌ترین متفکران قرن بیستم در عمل - که حیاتی‌ترین موضوعات وجود انسانی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند.

باشد که تمام فلسفه چنین پرمایه و درخشان شود.